

# پینوکیو

PINOCCHIO

کارلو کولودی و روبرتو اینوچنتی

ترجمہی بہروز غریب پور

از زبان ایتالیایی





چهارم کتم. بیچاره این میزمدت هاست روی سه پا ایستاده و با این کار خوشحال می شه...»  
 برای همین زود دست به کار شد و تیشه‌ی تیزی برداشت تا کارش را شروع کند اما هنوز تیشه را روی چوب  
 نکوبیده بود که دستش در هوا ماند، چون کسی با صدایی نه چندان بلند گفت: «نزنی لت و پارم کنی! بابا  
 یواش‌تر!»

هرکس دیگری هم بود با شنیدن این صدا جا می خورد. اوس آلبالو هم جا خورد. دست نگه داشت و در  
 همان حال به دور و برش نگاهی کرد تا ببیند صدا از کجا و از دهان چه کسی درآمده... به زیر نیمکت نگاهی  
 انداخت، کسی نبود. به کمدی که همیشه بسته بود نگاه کرد، درش را باز و تویش را ویرانداز کرد: کسی نبود.